

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

## Newsweek

### نگرانی ایران در خصوص استقرار یک «اسرائیل دوم» در قفقاز

در حالی که ایران عمیق‌تر از گذشته درگیر بحران‌های فعلی خاورمیانه شده است، این کشور به دنبال گسترش همکاری‌ها با یکی از کشورهای مسلمان منطقه قفقاز با جمعیتی اکثر اشیعه است که مدت‌ها آن را به ایجاد روابط نزدیک با دشمن شماره یک خود، اسرائیل متهم می‌کرد. بهبود روابط تهران با آذربایجان به‌رغم گسترش همکاری‌های باکو-تل‌آویو نشان‌دهنده یک تغییر مهم در منطقه‌های است که در محل تلاقی کریدورهای بین‌المللی و منافع متضاد قدرت‌های بزرگ از جمله روسیه و ایالات متحده قرار دارد. اما اختلافات ریشه‌دار در منطقه قفقاز و مناطق پیرامونی آن همچنان می‌تواند رقابت‌ها را شعله‌ور ساخته و شراکت در حال رشد و شکننده میان باکو و تهران را در هم بشکند. تنها چند روز پس از در گرفتن جنگ بین اسرائیل و حماس در اکتبر سال گذشته، ایران یک موافقتنامه مهم با جمهوری آذربایجان در زمینه ایجاد مسیر ترانزیتی، تحت عنوان کریدور ارس به امضا رساند که امکان دسترسی آذربایجان به استان خودمختار خود، نخجوان از طریق خاک ایران را فراهم می‌سازد. این توافق یک گام حیاتی در مسیر جلوگیری از شکل‌گیری یک مسیر جایگزین بحث‌برانگیز تحت عنوان کریدور زنگزور است که در راستای تلاش‌های آذربایجان برای عبور از خاک کشور رقیب ارمنستان مطرح شده بود. ایران که در منازعه چندین و چندساله ارمنستان و آذربایجان، همواره طرف ارمنستان را گرفته، برای ایجاد تغییراتی در رویکرد قبلی خود وارد عمل شده است. هم‌زمان با تلاش‌ها برای گسترش روابط با باکو، حسین امیرعبداللّه‌پای، وزیر خارجه ایران در جریان دیدار سه‌شنبه گذشته خود با همتای آذری‌اش از «فصلی جدید» در روابط دو کشور سخن گفت اما به گفته امیل اودالیانی، استاد دانشگاه اروپایی تفلیس، «این بدان معنا نیست که جمهوری اسلامی ایران از توازن قوا در قفقاز جنوبی خشنود است.» وی افزود، عامل اصلی بهبود روابط تهران و باکو تمایل مشترک هر دو طرف به ثبات منطقه‌ای، حسن‌نیت ژئوپلیتیک و همکاری‌های اقتصادی به‌ویژه کریدور بین‌المللی مواصلاتی شمال-جنوب است که شامل یک مسیر ریلی بلندپروازانه برای اتصال هند به روسیه، از طریق آذربایجان و ایران است. اودالیانی در ادامه گفت: «ایران و آذربایجان هر دو به ترمیم روابط علاقمند هستند، زیرا تجارت میان آن‌ها رشد می‌کند، عملیات کریدور مواصلاتی شمال-جنوب در حال پیشرفت است و به نظر می‌رسد که باکو بلندپروازی‌های خود در خصوص گشایش کریدور زنگزور را کنار گذاشته است.» «این رویکرد با استراتژی سیاست خارجی ایران مبنی بر تلاش برای عادی‌سازی روابط پیچیده‌اش با برخی کشورهای منطقه همخوانی دارد... همچنین به نفع آذربایجان نیست که روابط مشکل‌داری با ایران داشته باشد، زیرا این کشور همچنان باید به یک توافق صلح با ارمنستان دست یابد، به‌خصوص که از زمان سقوط ناگورنو-قره‌باغ هدف انتقادات غربی‌ها قرار داشته است.» اما مسائل تنش‌زای قدیمی از جمله گسترش آرام‌وی‌سوی‌روصدای روابط آذربایجان و اسرائیل همچنان روابط باکو و تهران را تهدید می‌کند. اسرائیل در حال حاضر اصلی‌ترین تامین‌کننده نیازهای تسلیحاتی آذربایجان است و به اصلی‌ترین مشتری نفت این کشور نیز تبدیل شده است. دو کشور همچنین مکانیزم‌های اشتراک‌گذاری اطلاعات در حوزه‌های موضوع همکاری را ایجاد کرده‌اند. فواد شهبازوف، محقق سابق مرکز مطالعات استراتژیک و تحلیلیگر ارشد مرکز ارتباطات استراتژیک باکو در این باره گفت، شراکت بین آذربایجان و اسرائیل «پدیده جدیدی نیست، اما پس از جنگ دوم قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ عمق قابل‌توجهی یافته است.» وی با اشاره به تبادل اطلاعات بین باکو و تل‌آویو افزود: «باکو برای همکاری خود با اسرائیل اهمیت زیادی قائل است و آن را به‌عنوان یک وزنه توازن‌بخش در برابر تهدیدات ایران می‌داند.» گرم شدن روابط آذربایجان و اسرائیل، نگرانی ایران در خصوص استقرار یک «اسرائیل دوم» در قفقاز را برانگیخته است. این عنوان به‌صورت سنتی به دیگر منطقه واقع در همسایگی ایران، یعنی اقلیم کردستان عراق اطلاق می‌شد، که گاه و بیگاه هدف حملات موشکی ایران قرار می‌گیرد و در جدیدترین مورد در ماه ژانویه یک مقر جاسوسی موساد در شهر اربیل اقلیم هدف قرار گرفت. ایران همچون عراق، سوریه و ترکیه جمعیت کرد قابل‌توجهی دارد.

## دیپلماسی

DIPLOMACY



## ارزیابی کارشناسان از سیاست خارجی ایران در سال ۱۴۰۲ و چالش‌های ۱۴۰۳:

# احیای برجام هم‌چنان چالش اصلی است



فاطمه کلانتری

خبرنگار گروه دیپلماسی

با نگاه به سال ۱۴۰۲، آنچه بیش از موضوعات دیگر به چشم

می‌خورد و تحولی که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و کشورهای خاورمیانه که جهان را در نزدیک به ۶ ماه گذشته درگیر کرده، جنگ غزه است که از ۱۵ مهر (۷ اکتبر) و متعاقب عملیات نظامی حماس علیه اسرائیل آغاز شد. حمایت از فلسطین، حفظ امنیت ایران و فاصله از کانون بحران و کنترل دامنه جنگ و جلوگیری از افزایش تنش سه رویکرد سیاست خارجی تهران را در ماه‌های گذشته تشکیل می‌دهد. ماه‌های نخست سال ۱۴۰۲ اما

برای ایران روزهای خوش از سرگیری روابط با عربستان سعودی پس از ۷ سال بود که موجب شد تا تهران بار دیگر به تکاپو برای تحقق هدف تاریخی از سرگیری روابط با مصر بیفتد؛ هرچند تا امروز موفق به دستیابی به آن نشده است. در بررسی و ارزیابی آنچه در سال ۱۴۰۲ گذشت و آنچه در سال جدید چالش اصلی سیاست خارجی ایران خواهد بود، از چند تن از اساتید، کارشناسان و دیپلمات‌های پیشین پرسیدیم:

## با نگاه به ۴ جهت جغرافیایی همسایگان ایران شامل منطقه قفقاز، حوزه خلیج فارس، همسایگان شرقی و غربی، سیاست خارجی ایران در سال ۱۴۰۲ را چگونه می‌بینید؟

### برجام و کاهش تنش مهمترین چالش‌های سال آینده است

**حسن بهشتی‌پور کارشناس سیاست خارجی:** دولت آقای رئیسی تلاشی‌هایی را در زمینه توسعه روابط با همسایگان صورت داده است اما آنچنان که باید و شاید موفق نبوده چراکه هر چند دولت اولویت خودش را توسعه روابط با همسایگان گذاشته که کار بسیار درستی است اما امکانات لازم برای تحقق این شعار ندارد؛ واقعیت این است که کشورهای همسایه ما هرکدام به دلایل مختلف تحت تأثیر تحولات مختلفی بودند که شرح آن‌ها بسیار طولانی است اما به‌طور خلاصه، در دو کشور مهم همسایه یعنی افغانستان و عراق اساساً دست دولت بسته است و نقشی در سیاست‌گذاری ندارد و این نیروی قدس سپاه و نیروهای مسلح هستند که تصمیم می‌گیرند و وزارت خارجه ما تصمیم‌گیرنده در موضوع این دو کشور نیست. البته دست‌ساز دیپلماسی ما در واقع مجری سیاست‌هاست اما کارشناسان در تحلیل شرایط نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. در هر صورت روابط با پاکستان با تنش بزرگی روبه‌رو شد که به خیر گذشت اما آنچنان که باید روابط تهران و اسلام‌آباد در دوره جدید بهبود پیدا نکرد. با کشورهای همچون ترکمنستان، آذربایجان و ارمنستان شاهد تحولی نودیدیم و پیشرفتی صورت گرفته است؛ هر چند گام‌های خوبی برداشته شده است. روابط آذربایجان با ایران هم تحت تأثیر کشورهای ثالث قرار دارد به این معنا که اسرائیل، ترکیه و آمریکا نقش قابل‌توجهی در این حوزه دارند؛ بنابراین اینک هم‌شکلات با باکو را تنها به گردن دولت بیندازیم، کار درستی نیست. با ترکیه همچنان درگیر مسائل اقتصادی هستیم و هنوز نتوانسته‌ایم ایجاد جدیدی را ایجاد کنیم. در خصوص شورای همکاری خلیج فارس هم روابط با عربستان بهبود پیدا کرده است اما هیچ رومی رو به جلو برداشته نشده است.



دولت آقای رئیسی تلاشی‌هایی را در زمینه توسعه روابط با همسایگان صورت داده است اما آنچنان که باید و شاید موفق نبوده

### قاسم مجعلی دیپلمات سابق:

**واقعیت این است که به جز برقراری روابط دیپلماتیک با عربستان، تغییری چشم‌گیر در مناسبات ما با همسایگان صورت نگرفته است و به قول معروف اینکه روند جدیدی ایجاد شده باشد، به چشم نمی‌خورد. در خصوص عربستان نیز تنها روابط برقرار شده و سیاست‌های ریاض نسبت به تهران تغییر چندانی نکرده و سیاست‌های گذشته هم از سوی شورای همکاری خلیج فارس و هم از سوی عربستان ادامه دارد و البته موضوعات جدیدی از جمله میدان گازی آرش نیز به موارد گذشته اضافه شده است که ریاض آن را در کنار موضوع جزایر سه‌گانه قرار داده است و در بیانیه‌ها مواضع پیشین را دارد. در این میان در حوزه همسایگان شاهد تحولاتی از جمله موضوع تنش با پاکستان بودیم که برای اولین بار در تاریخ، دو کشور علیه یکدیگر حمله نظامی صورت دادند و این یک مسئله جدیدی بود. در حوزه آذربایجان، افغانستان و عراق هم چالش‌های جدی داشتیم و اتفاق جدیدی هم رخ نداده است. لذا به نظر نمی‌رسد که در مجموع پیشرفت چندانی صورت گرفته باشد و توافقی‌های نهادینه‌شده بین ایران و همسایگانش به‌امضا رسیده باشد. در خصوص بازگشایی سفارت آذربایجان در ایران نیز گشایش جدیدی به‌رغم تماس‌های متعدد صورت نگرفته است و یکی از چالش‌های ما روابط گسترده**

ترویستی با واکنش بسیار تند پاکستان روبه‌رو شد، تحولی نامیمون که از زمان استعمارزدایی شبه‌قاره هند و تاسیس پاکستان در روابط تهران-اسلام‌آبادی سابقه‌بود.

در رابطه با دیگر همسایه شرقی، سیاست مهمی در پیش گرفته‌ایم که برنده این رویکرد، طالبان است که با گذشت بیش از دو سال از مشروعیت بین‌المللی برخوردار نیست و تقریباً هیچ کشوری این گروه افراطی را به رسمیت نشناخته است. ما امتیازات سیاسی و کنسولی فراوانی را به حاکمان کابل می‌دهیم و تقریباً هیچ امتیاز ندانند این‌گیری حتی در مورد متحدان طبیعی خودمان در این کشور به دست نیابوده‌ایم. موضوع مناقشات گاه و بیگاه مرزی، مسئله سهیم حق آب هرمند نیز همچنان در حال‌های از ابهام قرار دارد و به نتیجه ملموسی نرسیده است، وضعیت تقریباً مشابهی را در جنوب کشور داریم. به‌رغم بهبود روابط با عربستان که با مساعی جمیع‌چین به ثمر نشست، ولی مناقشات منطقه‌ای در محیط عربی و حضور نیروهای نیابتی ایران در آن که عربستان نسبت به آن معترض است، نمی‌توان با قاطعیت از فضای با دوام و قابل اتکا در روابط تهران-ریاض سخن گفت. می‌دانیم که تحولات سیاسی با متغیرهای متعددی قابلیت چرخش‌های ۱۸۰ درجه‌ای دارند. عربستان به دلیل برنامه بلندپروازانه ۲۰۳۰ فعالیت جیح می‌دهد با ایران که از نظر آنها قدرت تخریبی نیرومندی دارد، از در آشتی در آید و در عرصه سیاسی برنامه صلح ابراهیم و عادی‌سازی با اسرائیل را بدون هزینه سنگین سپری کند که جنگ غزه مانع آن شد. در غرب کشور هم با اینکه پس از چند دهه مهمترین دشمن ایران از میان برداشته شده و دولتی همسویا با ایران روی کار آمد، ولی به دلیل شرایط داخلی عراق و وجود گروه‌های مختلف قومی و ایدئولوژیک و خصوصاً رویکرد گروه‌های نزدیک به ایران در مورد آمریکا، بغداد را هر روز بیشتر از روز قبل تحت فشار و «انتخاب» قرار می‌دهد که یقیناً به نفع ایران نیست. نمونه‌های متعددی را می‌توان بر این مدعا گواه گرفت که حرف‌های اخیر مسئولین عراقی از دهه‌ها مورد است. به‌نظر مسیر حرکت ما در عراق نباید به‌گونه‌ای باشد که اولاً آنها را بیشتر به سمت اعراب سوق دهد و دیگر اینکه بغداد را در دوگانه انتخاب ایران یا آمریکا قرار دهد. در قفقاز نیز ایران باید سیاست حکیمانه‌تری در پیش گیرد. اتفاقات سفارت آذربایجان در تهران ضربه سنگینی به روابط دو کشور زد. در جنگ قره‌باغ سیاست ما نسبتاً واقع‌گرایانه بود ولی این جنگ هنوز به پایان نرسیده. تصور می‌کنم ایران نیازمند بررسی عمیق‌تری نسبت به رویکرد خود در قفقاز است به‌خصوص اینکه هنوز پوتین نقش پرسلرانه‌ای را در این منطقه ایفا می‌کند.

### رفع تحریم و تنش‌زدایی با اروپا و آمریکا

**قاسم مجعلی دیپلمات سابق:** واقعیت این است که به جز برقراری روابط دیپلماتیک با عربستان، تغییری چشم‌گیر در مناسبات ما با همسایگان صورت نگرفته است و به قول



معروف اینکه روند جدیدی ایجاد شده باشد، به چشم نمی‌خورد. در خصوص عربستان نیز تنها روابط برقرار شده و سیاست‌های ریاض نسبت به تهران تغییر چندانی نکرده و سیاست‌های گذشته هم از سوی شورای همکاری خلیج فارس و هم از سوی عربستان ادامه دارد و البته موضوعات جدیدی از جمله میدان گازی آرش نیز به موارد گذشته اضافه شده است که ریاض آن را در کنار موضوع جزایر سه‌گانه قرار داده است و در بیانیه‌ها به آن می‌پردازد و در خصوص مسئله هسته‌ای نیز همان مواضع پیشین را دارد. در این میان در حوزه همسایگان شاهد تحولاتی از جمله موضوع تنش با پاکستان بودیم که برای اولین بار در تاریخ، دو کشور علیه یکدیگر حمله نظامی صورت دادند و این یک مسئله جدیدی بود. در حوزه آذربایجان، افغانستان و عراق هم چالش‌های جدی داشتیم و اتفاق جدیدی هم رخ نداده است. لذا به نظر نمی‌رسد که در مجموع پیشرفت چندانی صورت گرفته باشد و توافقی‌های نهادینه‌شده بین ایران و همسایگانش به‌امضا رسیده باشد. در خصوص بازگشایی سفارت آذربایجان در ایران نیز گشایش جدیدی به‌رغم تماس‌های متعدد صورت نگرفته است و یکی از چالش‌های ما روابط گسترده

## نظر خواهی

باکو با اسرائیل است و تهران معتقد است اسرائیل از خاک این کشور برای جاسوسی علیه ایران استفاده می‌کند.

### بهبود روابط با همسایگان و تنش‌زدایی منطقه‌ای

**علم صالح استاد مطالعات خاورمیانه دانشگاه ملی استرالیا:** معتقدم ایران دو دهه بسیار پر تنش و پرمنازعه‌ای در مرزهای اطراف خودش شاهد بود و نتوانست این تنش‌ها و منازعات را تا حدود زیادی با موفقیت پشت سر بگذارد و به عبارتی جنگ‌هایی که در مرزهای شرقی، غربی، جنوبی در این مدت پیش آمده بود، نتوانست به‌صورت مستقیم‌گرنده به کشور وارد کند. بدون شک بخشی از این موفقیت به دست‌ساز دیپلماسی ایران بر می‌گردد و امری است که تمام جوانب سیاسی، امنیتی و دیپلماسی را در بر می‌گرفت. حال پس از اینکه تا حدود زیادی می‌توان گفت ایران از این مرحله خطرهای منطقه‌ای عبور کرده است، می‌توان انتظار داشت که دستگاه دیپلماسی با غیرامنیتی کردن دیدگاه خودش، تمرکزش و محوریت کارش را بر روی موفقیت‌های سیاسی و اقتصادی بگذارد. به عبارت دیگر حال که تهدید خارجی تا حدود زیادی رفع شده، دستگاه دیپلماسی می‌تواند از دیپلماسی اقتصادی استفاده کند تا نتایج موفقیت‌آمیز منطقه‌ای خود را با بهبود بخشیدن به وضع اقتصادی کشور ترجمه کند. این امر می‌تواند با مرادوات سیاسی هدفمند، برای تهران بسیار مفید باشد. این امر به‌خصوص، با در نظر گرفتن تغییراتی در سه سطح باید صورت بگیرد: مادر سطح جهانی تغییراتی را در توازن قوا شاهد هستیم و می‌بینیم که قدرت‌های نوظهوری روی کار آمده‌اند که ایران می‌تواند از آن‌ها به‌عنوان جایگزینی برای غرب استفاده کند. با عضویت در سازمان‌هایی همچون شانگهای و بریکس، این امر محقق می‌شود اما البته این نباید به‌عنوان تنها رویکرد تهران باشد. مطمئناً تهران باید بتواند یک توازن رابطه با طرف غربی هم داشته باشد و این را حتماً باید مدنظر قرار دهد که غرب یک بازیگر واحدی نیست و در بلوک غرب، کشورهایی هستند که ایران بتواند با آنها رابطه مناسب‌تری داشته باشد. در سطح منطقه‌ای ایران سال‌ها جاری توانست روابطش را با عربستان عادی کند اما حال امری که دستگاه دیپلماسی می‌تواند مدنظر قرار دهد فراتر از بهبود روابط با کشورهای همسایه است که این روابط را تعمیق ببخشد و این تعمیق می‌تواند به دیپلماسی اقتصادی کمک کند تا بیش از پیش اهداف و مصالح مشترک ایجاد کند و در نهایت با یک بازی برد-برد سیاست‌های استراتژیک تهران را غیرامنیتی کند و منافع ملی برای کشور داشته باشد.

### بند غروب برجام چالش بزرگی است

**سازان کریمی استاد دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران:** سیاست خارجی ایران که نوعاً از نظر سیاست‌گذاری و اصول ثابت است اما در عین حال واقعیت این است که در حال حاضر به دو علت دیپلماسی و سیاست خارجی ما به اندازه کافی چابک و کارآمد نیست: یکی استیلای موضوع تحریم و در انزوای گذشتن ایران توسط ایالات متحده و حالا اروپا و دیگری فقدان تحرک و احیاناً کارآمدی لازم در رأس وزارت امور خارجه. به نظر من وزارت امور خارجه در سطح بالای خود دچار نوعی سردرگمی و عدم شناخت و تحرک لازم برای هرگونه اصلاح وضعیت نامطلوب کنونی کشور در محیط بین‌المللی و حتی منطقه‌ای است. اگر به موضوعات مختلف به‌خصوص در شمال (مانند موضوعات راه‌های مواصلاتی چین به اتحادیه اروپا) و جنوب (سرمایه‌گذاری‌ها و پیشرفت‌های اعراب در حوزه‌های مختلف و نقش آفرینی ایشان به‌خصوص قطر در معادلات بین‌المللی و منطقه‌ای سطح بالا) بنگریم، متوجه نوعی نیاز اساسی به اصلاح سیاست‌گذاری خارجی خود خواهیم بود. جمهوری اسلامی ایران نباید در دام امنیتی‌سازی و تحمیل انزوایی بیفتد که لااقل ایالات متحده و اسرائیل برای آن سیاست‌گذاری و عمل کرده‌اند. نوع سیاست خارجی ما در دو سال گذشته، ابتلا به درد انفعال از یک سو همچنین خطای شناختی در موضوع روسیه و رویکرد آن در معادلات مربوط به ما بوده است.



دانشگاه ملی استرالیا:

بسیار پر تنش و پرمنازعه‌ای در مرزهای اطراف خودش شاهد بود و نتوانست این تنش‌ها و منازعات را تا حدود زیادی با موفقیت پشت سر بگذارد و به عبارتی

جنگ‌هایی که در مرزهای شرقی، غربی، جنوبی در این مدت پیش آمده بود، نتوانست به‌صورت مستقیم‌گرنده به کشور وارد کند. بدون

شک بخشی از این موفقیت به دست‌ساز دیپلماسی ایران بر می‌گردد و امری است که تمام جوانب سیاسی، امنیتی و دیپلماسی را در بر می‌گرفت. حال پس از اینکه تا حدود زیادی می‌توان گفت ایران از

این مرحله خطرهای منطقه‌ای عبور کرده است، می‌توان انتظار داشت که دستگاه دیپلماسی با غیرامنیتی کردن دیدگاه خودش،

تمرکزش و محوریت کارش را بر روی موفقیت‌های سیاسی و اقتصادی بگذارد. به عبارت دیگر حال که تهدید خارجی تا حدود زیادی رفع

شده، دستگاه دیپلماسی می‌تواند از دیپلماسی اقتصادی استفاده کند تا نتایج موفقیت‌آمیز منطقه‌ای خود را با بهبود بخشیدن به وضع

اقتصادی کشور ترجمه کند. این امر می‌تواند با مرادوات سیاسی هدفمند، برای تهران بسیار مفید باشد. این امر به‌خصوص، با در نظر

گرفتن تغییراتی در سه سطح باید صورت بگیرد: مادر سطح جهانی تغییراتی را در توازن قوا شاهد هستیم و می‌بینیم که قدرت‌های

نوظهوری روی کار آمده‌اند که ایران می‌تواند از آن‌ها به‌عنوان جایگزینی برای غرب استفاده کند. با عضویت در سازمان‌هایی

همچون شانگهای و بریکس، این امر محقق می‌شود اما البته این نباید به‌عنوان تنها رویکرد تهران باشد. مطمئناً تهران باید بتواند یک

توازن رابطه با طرف غربی هم داشته باشد و این را حتماً باید مدنظر قرار دهد که غرب یک بازیگر واحدی نیست و در بلوک غرب،

کشورهایی هستند که ایران بتواند با آنها رابطه مناسب‌تری داشته باشد. در سطح منطقه‌ای ایران سال‌ها جاری توانست روابطش را با

عربستان عادی کند اما حال امری که دستگاه دیپلماسی می‌تواند مدنظر قرار دهد فراتر از بهبود روابط با کشورهای همسایه است که این

روابط را تعمیق ببخشد و این تعمیق می‌تواند به دیپلماسی اقتصادی کمک کند تا بیش از پیش اهداف و مصالح مشترک ایجاد کند و در نهایت با یک بازی برد-برد سیاست‌های استراتژیک تهران را

غیرامنیتی کند و منافع ملی برای کشور داشته باشد.